

شخصیت و شخصیت پردازی در رمان « فاجعه رمضان » اثر جرجی زیدان

محدثه غلامی احمدگورابی^۱

استاد راهنما: دکتر فریده خواجه پور^۲

چکیده

جرجی زیدان جزو داستان نویسان عرب زبان است که در رمان «فاجعه رمضان» شخصیت های تاریخی حادثه ۱۹ رمضان و به شهادت رسیدن امام علی (ع) و ماجرای عشق قطام و ابن ملجم و عشق سعید اموی و خوله را به تصویر می کشد. در مقاله حاضر شخصیت های داستان بشیوه تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار می گیرند تا با دید بهتری با قلم جرجی زیدان و شیوه به تصویر کشیدن شخصیت ها آشنا شویم. برای آشنایی با سبک نگارش جرجی زیدان و چگونگی خلق شخصیت ها و قلم وی در به تصویر کشیدن آنها بررسی یکی از رمان های وی ضروری به نظر می رسد. هر کدام از شخصیت ها در یکی از اقسام شخصیت های اصلی یا فرعی می گنجد که تنها یک شخصیت با توجه به اصل تغییر پذیری یا عدم تغییر طی داستان، جزو شخصیت های پویا به شمار می رود و سایر شخصیت ها به دلیل ثبوت اعمال و گفتار و حالات درونی جزو شخصیت های ایستا محسوب می شوند. جرجی زیدان در شیوه های شخصیت پردازی به دو گونه مستقیم و غیر مستقیم نگارش خود را در پیش می گیرد و در شیوه مستقیم با توصیف خصوصیات اشخاص و در شیوه غیر مستقیم از طریق بطن حوادث و سلسله رویداد های متوجه شخصیت ها و سه عنصر الف) رخداد ها و وقایع ب) گفتگو ج) نامگذاری، به معرفی آن ها به کمک اعمال و حالاتشان می پردازد.

واژه های کلیدی

جرجی زیدان، فاجعه رمضان، شخصیت پردازی، رمان، ادبیات داستانی

۱- مقدمه

«ادبیات داستانی به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعیش غلبه کند، اطلاق می شود و همه انواع آثار داستانی روایتی منثور را در بر می گیرد؛ خواه این انواع از خصوصیت شکوهمندی ادبیات تخیلی برخوردار باشد خواه نباشد.»

^۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان، مرکز باهنر استان تهران

mohadesehgholamix5@gmail.com

^۲ دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان و استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی

fakhaz@yahoo.com

ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه است و انواع ادبی یونان باستان یعنی آثار حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی را در بر نمی گیرد. (صادقی، ۱۳۶۳، ۲۹)

ممکن است در داستان نویسی امروز بعضی از نویسندگان اهمیتی که داستان نویسان گذشته برای عناصر داستان قائل بودند به آنها ندهند اما واقعیت امر این است که اگر عنصری مورد بی توجهی قرار گیرد عنصر دیگری جانشین آن می شود. در ارزش و اهمیت این عناصر همین بس که گفته شود که در کشورهایی که هنوز هم شاهکارهای داستانی از آن جا بر می خیزد آموختن فنون داستان نویسی از دبیرستان شروع می شود. (صادقی، ۱۳۶۳، ۲۲)

قطعا دانستن اصول داستان نویسی به نویسنده کمک می کند که یک داستان حرفه‌ای و قاعده‌مند بنویسد که اعجاب دیگران را برانگیزد و یک خلق منحصر به فردی شود از این رو عناصر داستان هستند که به داستان ما هویت می بخشند. جبران خلیل جبران نیز از نویسندگان عرب است که از مشهورترین آثارش می توان به « نامه های عاشقانه یک پیامبر »، « هشتم مطر » اشاره کرد. (طاقچه، بی تا)

جرجی زیدان جزو روزنامه نگاران، مورخان و ادیبان و داستان نویسان لبنانی است که در چهاردهم دسامبر سال 1861 در عین جنوب یکی از روستاهای بیروت در خانواده فقیری متولد شد. از پنج سالگی به مدرسه رفت و پس از گذراندن دوره ابتدایی مدرسه داروسازی را برای ادامه تحصیل برگزید و یک سال در دانشکده پزشکی بیروت تحصیل کرد اما طولی نکشید که این رشته را به موجب رهبری تظاهرات سال 1882 و اعتراض به دانشگاه به علت عدم تدریس به زبان عربی رها کرد و روزنامه نگاری را در پیش گرفت و از آن پس راهی مصر گردید. (بابا زاده اقدم، شکیب، بینش، 1390)

تاریخ مصر الحدیث، تاریخ التمدن الاسلامی، تاریخ الماسونیه، تاریخ العرب قبل الاسلام و دوازده داستان تاریخی درباره تاریخ عرب از آثار اوست. (همان)

جرجی زیدان طی 25 سال، 21 رمان تاریخی را به رشته تحریر در آورد که موضوع تمامی آنها تاریخ اسلامی بود.

می توان آنها را بر اساس دوره های تاریخی تقسیم بندی کرد :

(۱) صدر اسلام و عصر فتوحات شامل رمان های فتاة غسان و ارمانوسه المصریه، عذراء قریش و ۱۹ رمضان، غاده کربلاء، الحجاج الثقفی، فتح الاندلس، شارل و عبد الرحمن، ابو مسلم الخراسانی، العباسه اخت الرشید، الامین و المامون، عروس فرغانه، احمد بن طولون، عبد الرحمن الناصر، فتاة القیروان و صلاح الدین ایوبی .

(۲) انقراض بنی عباس: شجرة الدر

(۳) دوران ممالیک : استبداد الممالیک

(۴) دوران معاصر : المملوک الشارد، اسیر المتمدی، الانقلاب العثماني. (بابا زاده اقدم، کرمی میرعزیزی، 1395)

فاجعه رمضان یک رمان کوتاه به حساب می آید که نویسنده شخصیت های داستان را به گونه ای واضح و واقع گرایانه و باور پذیر بیان کرده است. داستان در ابتدا مستقیما به بیان مختصر زندگی نامه هر شخصیت می پردازد و در ادامه در بطن حوادث و دیالوگ ها شخصیت ها را به ما معرفی میکند.



رمان فاجعه رمضان به شرح شهادت مولای متقیان علی (ع) و طغیان خوارج و غضب خلافت از خاندان نبوت و ماجرای عشق قطام دختر زیبای عرب با عبدالرحمن ابن ملجم می پردازد. شخصیت های اصلی این رمان سعیداموی و قطام هستند. در مقاله حاضر «رمان فاجعه رمضان» از جرجی زیدان از نظر شخصیت و شخصیت پردازی مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

مقاله های مرتبط به موضوع حاضر عبارتند از: مقاله "فاجعه رمضان" از مهدی ماحوزی که داستان شهادت امام علی را به نظم در آورده است، مقاله "شهادت امام علی" از سید احمد خاتمی و مقاله "ابن ملجم از مهر امام تا عشق قطام" از سید جواد حسینی که در آن داستان عاشقانه محوریت دارد. شباهت پژوهش حاضر با تحقیقات انجام شده در این زمینه آن است که موضوعات مورد بررسی تا حدودی در یک حوزه قرار می گیرد و آن هم شهادت امام علی و نقش افراد تاثیرگذار در این فاجعه از جمله قطام، ابن ملجم و... است اما تا کنون به بررسی شخصیت های این واقعه به قلم جرجی زیدان و در رمان فاجعه رمضان پرداخته نشده است. در پایان مقاله پی می بریم که شخصیت های داستان هر کدام از اصلی و فرعی بودن و پویایی یا ایستایی به چه صورت اند و نویسنده از چه شیوه ای در شخصیت پردازی بهره برده است و هر کدام از شخصیت ها چه افکار و اعمالی دارند.

۳- خلاصه رمان « فاجعه رمضان »

این رمان به نحوه شهادت امام علی به دست ابن ملجم و داستان عاشقانه سعیداموی به قطام و از طرفی عشق او به خوله و عاشقانه های ابن ملجم و قطام می پردازد. قطام دختر «سحنه بن عدی» از قبیله «ریاب» بود که به سبب زیبایی به او لقب «ماهروی کوفه» را داده بودند. او با کشته شدن پدر و برادرش در در واقعه نهروان، انتقام گرفتن از امام علی را در سر می پروراند. سعیداموی شخصیت دیگری است که با پدر بزرگش در خانه (عثمان) زندگی می کرد. سعیداموی سخت عاشق زیبایی قطام می شود و قرار دادی را مبنی بر کشتن امام علی (ع) امضا میکند و آن را شرط ازدواج خود با قطام قرار می دهد. قطام و خاله اش لبابه انواع دسیسه ها و حيله ها را به کار می برند تا از سعید در راستای انتقام خود استفاده کنند اما سعید به موجب وصیت پدر بزرگش از قتل امام علی منصرف می شود و وقتی دسیسه 3 نفر را که قرار بود در روز 17 رمضان امام علی و عمرو بن عاص و معاویه را بکشند می شنود، تصمیم می گیرد امام علی را از این توطئه باخبر کند اما قطام مانع آنها می شود. خوله که پدرش از خوارج بود بر خلاف پدرش هوادار امام علی بود و در راستای نجات ایشان با سعید همکاری کرد و عشقی میان آنها شکل گرفت.

سعید پس از پی بردن به حيله های قطام و لبابه که خود را ظاهرا هوادار علی نشان می دادند از عشق قطام دست کشید و سعی بر باخبر ساختن امام علی از توطئه را داشت اما به سبب بدگمانی هواداران علی نسبت به سعید به واسطه قراردادی که قطام برای غلام امام علی فرستاده بود، حرف سعید را باور نکردند و او را زندانی کردند تا اینکه امام علی با شمشیر زهر آلود ابن ملجم به شهادت رسیدند در حالی که معاویه و عمرو عاص از مرگ نجات یافتند.

عبدالله پسر عموی سعید به خاطر آگاه ساختن عمروعاص از دسیسه کشتنش، نزد او مقام و منزلتی یافت به گونه‌ای که امیر(خوله) را علی رغم علاقه وی به سعید، به عقد عبدالله در آورد. قطام برای رسوا کردن خوله نزد عمروعاص آمد درحالی که عبدالله و خوله را متهم به خیانت کرده بود اما طی محاکمه وقتی امیر از نیرنگ قطام باخبر شد او و لبابه و غلامشان را زندانی کردند. قطام پس از کشتن لبابه به خاطر فاش ساختن اقداماتش او را به قتل رساند اما در راه فرار توسط بلال، غلام خوله، کشته شد. از طرفی پس از مطلع شدن عبدالله از عشق میان سعید و خوله، او را سه طلاقه کرد و خوله با سعید ازدواج کرد.

۴- شخصیت و شخصیت پردازی

4-1 تعریف شخصیت

شخصیت عبارت است از مجموعه‌ی غرایز و تمایلات و صفات فردی که حاصل و رفتار و گفتار فرد جلوه می‌کنند و وی را از دیگر افراد متمایز می‌سازند (یونسی ۱۳۸۳ : ۲۸۹) ویرجینا وولف در مورد شخصیت در کتاب "رمان به روایت رمان نویسان" گفته است: «من معتقدم سر و کار همه‌ی رمانها فقط با شخصیت است، فقط برای ترسیم شخصیت است که قالب رمان را طرح افکنده‌اند و چه قالبی بهتر از رمان برای طرح شخصیت که خود قالبی است هم ناشیانه و پرگویی و هم پر مایه و سرشار و انعطاف پذیر و پر تحرک» (آلوت، ۱۳۸۰: ۵۰۳)

4-2 انواع شخصیت

شخصیتهای داستان را میتوان از نظر "فعل و انفعال" به دو گروه شخصیتهای پویا و شخصیتهای ایستا تقسیم کنیم. البته تقسیمات دیگری نیز وجود دارد که در این مجال کفایت نمی‌کند.

شخصیتهای داستان مخلوق مشاهده و تجربه‌ی نویسنده هستند که گاه با تشابه آنها در عالم واقعیت روبرو میشویم، و گاهی هیچ شناختی از آنها نداریم. از آنجایی که اشخاص مخلوق در داستان میتوانند مورد تقلید قرار گیرد و بر روی خواننده و حتی جامعه تأثیر داشته باشد، از این رو نویسنده‌ی داستان باید شخصیتهایی معقول و پذیرفتنی خلق نماید. یونسی معتقد است: «مهمترین عنصر منتقل کننده تم داستان و مهمترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است.» (یونسی، ۱۳۵۵: ۲۲)

برای اولین بار ارسطو در بیان مبحث تراژدی از شخصیت سخن گفت. به نظر وی شخصیت یکی از اجزای تراژدی است که وظیفه اجرای نمایش را بر عهده دارد. (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۲۲)

به طور معمول هر نویسنده در ادبیات داستانی، بینش، تفکر، احساسات و اعتقادات خاص خود را در مسیر داستان به نمایش می‌گذارد. از آنجا که بهترین تجلی گاه این احساسات و اعتقادات شخصیت‌ها هستند، شخصیت پردازی نیز در ادبیات داستانی می‌تواند با ایدئولوژی، احساسات و جهان بینی نویسنده آشنا شود.

در بررسی عناصر داستان، شخصیت عنصری است که متقابلاً بر بیشتر عناصر داستانی تأثیر می‌گذارد. معمولاً نویسندگان در پردازش شخصیت‌های خود از دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم استفاده می‌کنند. (آتش سودا، حریری جهرمی، ۱۳۸۹: ۱۰)



در روش مستقیم، نویسنده صریحا درباره شخصیت نظر می دهد. مثلا می گوید: «او عادل است.» اما در شیوه غیر مستقیم، نویسنده از عواملی چون کنش، گفتار، نام، محیط و وضعیت ظاهری، در پردازش شخصیت ها استفاده می کند. (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱)

۵- شخصیت های رمان فاجعه رمضان

شخصیت های داستان جرجی زیدان اغلب جزو مقامات سیاسی و خویشانندان آنها و گاه از طبقه خدمه هستند. همانطور که می بینیم امام علی، سعید اموی، عمروعاص، معاویه، قطام، خوله و خدمه هایشان از جمله ریحان و بلال و... شخصیت های داستان هستند. زیدان در به تصویر کشیدن هر شخصیتی، ویژگی خاص آن فرد را با زمزمه های درونی و افکارش نشان می دهد که این مساله بیشتر در باخودگویی های سعید دیده می شود اما اکثر شخصیت ها با رفتارشان خودشان را نشان می دهند و می توان گفت شخصیت های زیدان اغلب ترکیبی از درونگرا و برونگرا هستند.

زیدان شخصیت ها را کمی بی حم و سنگدل و اغلب ماجراجو نشان می دهد که مسلما شرایط جغرافیایی و سیاسی و اجتماعی بر خلق و خو و روحیه شخصیت ها تاثیر گذاشته است. به گونه ای که به اقتضای زمانه قتل و شمشیر کشیدن و کشته شدن و جنایت و خیانت و انتقام و صفات منفی بسیاری در قشر آنها عادی به نظر می رسد. از طرفی هریک در رسیدن به خواسته ها و امیال مادی یا معنوی سخت کنجکاو و ماجراجو هستند.

اکثر شخصیت ها افراد سنتی و بسیار تعصبی هستند اما عقاید خرافاتی یا تخیلی ندارند و همگی واقع بین هستند اما به طور کلی تعصبات نسبت به زن و حقیر کردن آن و تملک نسبت به او و باورهای مرد سالاری دیده می شود.

زیدان هیچ یک از شخصیت ها را ساده لوح محض نمی داند و حتی شخصیت هایی که گاه اشتباه می کنند را هم افراد هوشمندی می داند؛ مثلا وقتی سعید را در داستان، ساده و بی سیاست معرفی می کند در ادامه نشان می دهد وی بعد از ضربه ای که از قطام می خورد فرد منطقی تر و عاقل تری می شود.

شخصیت های رمان تحت تاثیر فضای اختناق و قدرت و سلطه طلبی افراد جاه طلب حکومتی در برهه هایی فرصت ها و شانس های خود را از دست می دهند و گاه امتیاز هایی بدست می آورند. در واقع رفتار و اعمال شخصیت ها متأثر از اطرافیان شان به خصوص افراد قدرتمند است.

زیدان خیلی از اتفاقات متوجه شخصیت ها را به دست قضا و قدر می سپارد. گویی کارگردانی چنین سرنوشتی را برای آن ها رقم زده و کاری از دست آنها بر نمی آید. همان طور که شهادت امام علی با وجود تلاش های سعید و هوا خواهانش به نتیجه نرسید اما معاویه و عمرو بن عاص جان سالم به در بردند.

شخصیت ها در انتهای داستان به اوج خود می رسند و گاه تصوراتی را که از یک شخصیت داشتیم به هم می زنند و چهره واقعی خود را بهتر نشان می دهند. گویی شخصیت ها در ابتدای داستان کمی ناشناخته و مبهم اند و هنوز تصویر کاملی از آنها شکل نگرفته است. به عنوان مثال در ابتدای داستان تصور می شد که عشق سعید به قطام هوسی بیش نیست اما در ادامه متوجه می شویم که این عشق عمیق تر از آن چیزی است که فکرش را می کردیم.

زیدان در پرداختن به شخصیت ها محوریت را به شخصیت های اصلی داستان داده است. گرچه شخصیت اصلی داستان لزوما مهم ترین فرد داستان از لحاظ تاریخی نیست. شخصیت های فرعی داستان خیلی کم رنگ اند و هر از گاهی در لا به لای داستان پدیدار می شوند و قطعا شناختن اینگونه شخصیت ها به علت معرفی کمتر آنها کمی سخت تر به نظر می رسد.

۵-۱ - شخصیت های اصلی رمان فاجعه رمضان

شخصیت های اصلی داستان توجه عمده نویسنده را به خودشان جلب کرده اند و در جای جای داستان حضور پررنگی دارند و گویی از زاویه دید آنها به حوادث پرداخته شده و گویی ما در آن زمان بوده ایم و از چشمان آن ها به اتفاقات نگریسته ایم . شخصیت های اصلی داستان سعید اموی و قطام هستند که درگیر عشق اند. منفعت طلب و شجاع اند. اغلب شخصیت های اصلی خوب و بد مطلق اند و به گونه ای شخصیت کلی اند. به عنوان مثال شخصیت سعید از نظر نویسنده، شخصیت خوب مطلق و قطام شخصیت بد مطلق است.

به نظر می رسد زیدان با محوریت سعید و احساسات اش او را بیشتر درک میکند و همدلی اش با شخصیت های دیگر کمتر به چشم می خورد. به عنوان مثال وقتی قطام از مرگ پدر و برادرش سخت خشمگین و ناراحت است چهره ای که از او به تصویر می کشد یک انتقام جو و بد جنس است و کمتر او را درک میکند.

۵-۱-۱ - سعید اموی

سعید نقش اصلی و گرداننده داستان است. او در طی داستان تغییر عقیده های بسیاری می دهد و کمی شکاک و مردد است. وی در ابتدا قصد قتل امام علی را داشت و در اواسط داستان از هواخواهان علی شد. از طرفی عشقش به قطام تبدیل به نفرت شد و در ادامه شیفته خوله شد.

داستان، سعید را خالصانه عاشق قطام نشان می دهد که حاضر است برای او هر کاری کند اما وقتی بر سر دوراهی وصیت پدر بزرگ محبوبش و عشقش قرار می گیرد به نظر می رسد عشق را در اولویت قرار می دهد و تابع معشوقش است و در این راه پنهان کاری های زیادی می کند.

سعید فردی بسیار احساساتی است و روحیه لطیف تری نسبت به قطام دارد. خیلی زودتر باور میکند و به اطرافیانش اعتماد می کند. وی تا حدودی پایبند به اصول دینی است اما روزنه هایی از بی اخلاقی و عدم پایبندی به دین هم در او به چشم می خورد. از آن جایی که وقتی خوله را می بیند به او دست می دهد. گویی با او محرم و صمیمی است.

او افکار خاص خودش دارد و فکر می کند اگر با طرف مقابل خوب رفتار کند، نتیجه خوبی را با خوبی می بیند. در حالی که از این صداقت و بی ریایی خود خیلی مواقع ضربه م خورد. مثلاً وقتی پیش لبابه، خاله قطام، درد و دل می رد، او را مادر و دلسوز خود خطاب کرد در حالی که نمی دانست نزد چه فرد پستی رفته است.

در رفتارهای کمی اهمال کاری و سهل انگاری مشاهده می شود. همان طور که برای مطلع کردن امام علی (ع) از دسیسه علیه ایشان خیلی سستی به خرج می داد.

سعید در گفتارش تملق و چاپلوسی نمی کند و دورو و ریا کار نیست. صحبت هایش را مستقیم و بدون پرده بیان می کند. در واقع سعی بر خوب جلوه دادن خود ندارد و خود واقعی اش را نشان می دهد.

کشمکش های زیادی در زندگی وی رخ می دهد و او مدام به دنبال چاره اندیشی است. وی برای حل مشکلاتی که به وجود می آید از کمک اطرافیانش بهره می گیرد. همان طور که با کمک خوله بسیاری از اسرار را فهمید.



۵-۱-۲- قطام

قطام شخصیتی سنگدل و بی رحم دارد و سرشتی ناپاک. حاضر می شود کسی را که قلباً و عمیقاً او را دوست دارد، رسوا کند تا به خواسته خودش برسد و از کشتن کسی بیمی ندارد.

وقتی سعید و عبد الله در عین الشمس برای شرکت در اجتماعات علویان عازم شدند، مکان آنها را برای عمروعاص فاش کرد و هدفش از این اقدام کشتن آن دو بود؛ چون حس می کرد سعید دیگر به دردش نمی خورد و به قول خودش، شهادت کشتن علی علیه السلام را ندارد.

قطام در تمام طول داستان هیچ تغییری نمی کد و از ابتدا تا انتها همان زن کینه توز و انتقام جویی است که با مرگ برادر و پدرش هیچ هدفی جز نابودی امام علی (ع) در زندگی اش ندارد و به قدری نا امید از زندگی شده که حتی از مرگ خود در راستای این هدف ترسی ندارد و شجاعت و جرأتی که دارد سبب می شود انواع حربه ها و حيله ها را به کار ببرد تا سعید را خام خود کند و او را راضی به قتل علی نماید.

قطام حتی خاله خود لبابه را که در بیشتر توطئه ها یاور و همراهش بوده می کشد. در واقع هر کسی را که مانعش شود، از بین می برد. چه این فرد از افراد وفادارش باشد چه دشمن خونین اش.

قاطعیت، شجاعت، صراحت بیان، هوشمندی و ذکاوت از ویژگی های خاص اوست. در ظاهر فردی قاطع و بی باک به نظر می رسد اما از یک غم درونی رنج می برد و درگیر افکار پریشان و منفی است. به نظر می رسد دچار افسردگی شدید و ناامیدی شده است. برای قطام اخلاقیات معنایی ندارد. ارزش اصول اخلاقی در نظر او هیچ است و کمتر رفتار انسانی و شرافتمندانه در او به چشم می خورد. کسی که به راحتی دستور قتل صادر می کند، خاله خودش را می کشد، از افرادی سوء استفاده می کند، تنها به دنبال منافع خودش است، احساس و عشق نمی فهمد، قطعاً بویی از انسانیت نبرده است.

اما گفتار قطام بسیار متناقض با باطن پلیدش است. وی با چرب زبانی و کلمات شیوا و گفتار دلپسندش افراد را خام خود می کند و این دورویی و تظاهر به خوبی بزرگترین تضاد را با خود واقعی اش دارد.

در بخشی از رمان که سعید تصمیم به قتل حضرت علی و گرفتن انتقام قطام گرفته بود، قطام گفت: «خیر..... خیر من راضی نیستم که تو بخاطر من جان خود را به خطر اندازی، من خودم این کار را خواهم کرد. من با دست خود قاتلین پدر و برادرم را خواهم کشت، آری من با اینکه زنی هستم، علی بن ابی طالب را خواهم کشت.»

۵-۱-۳- لبابه

وی خاله قطام است. لبابه فرد زیرک، حيله گر، طمع کار و باتجربه و به قلم جرجی زیدان پیر زال است. به قطام برای کشتن حضرت علی راهکار های هوشمندانه ای ارائه می کند و در بخشی از داستان وقتی لبابه قصد دارد که قطام با سعید ازدواج کند؛ زیرا می گوید: «تو اگر می خواهی انتقام خود را بگیری، باید سعید را دوست بداری و لو اینکه موقتی باشد! او انتقام تو را خواهد گرفت.»

در تمام جریان های دسیسه وی دست به کار می شود و قطام را راهنمایی می کند. وی هم به دنبال منافع خودش است. او در ابتدای داستان خیرخواه و دوستدار قطام به نظر می آید و گویی همدرد و همدل فرزند خواهرش است اما در حقیقت تمام حيله ها و نیرنگ هایش در جهت منافعش است و هدفش از ازدواج سعید و قطام پول و اموالی بود که سعید به او وعده داده بود.

لبابه دلسوز کسی نیست. خود را سرد و گرم چشیده روزگار و باتجربه می داند و در ابتدا رابطه خوبی با قطام دارد و گویی تنها برای رسیدن قطام به انتقامش تمام هم و غم خود را به کار گرفته؛ اما در پایان داستان متوجه می شویم که راز فرزند خواهر خود را برملا می کند و دلیل این اتفاق، برخورد ناشایست قطام و توهین به وی بود. این اتفاق یک نقطه عطفی در شخصیت اش به حساب می آید. اخلاقیاتی برای لبا به مطرح نیست گویی اصلا به آن فکر نمی کند و به آن اهمیتی نمی دهد و تا جایی که می تواند بانی و مسبب شر می شود. از رفتار هایش متوجه می شویم که هیچ قصد و غرض خیرخواهانه و مادرانه برای کسی ندارد؛ اما تمام اقداماتش به نفع قطام تمام می شود و جز در این راستا اقدامی انجام نمی دهد. گفتارش نرم و به نظر مهربانانه می آید و به سادگی می تواند افراد را فریب دهد و در راستای هدفش نقشه ها و برنامه های هنرمندانه ای می چیند.

۵-۲- شخصیت های فرعی رمان فاجعه رمضان

شخصیت های فرعی توجه کمتری را به خودشان جلب می کنند اما گاه ممکن است تاثیر بیشتری حتی نسبت به شخصیت های اصلی داشته باشند. این شخصیت ها فضای داستان را از تمرکز روی شخصیت های اصلی بر می دارند و زاویه دید داستان را گسترده و وسیع تر می کنند. خوله، عبدالله شخصیت های فرعی داستان فاجعه رمضان هستند. تضاد های بسیاری در عقاید و باطن آنها و رفتارشان وجود دارد.

۵-۲-۱- خوله

پدر خوله از خوارچ بود که در گذشته از هواخواهان علی بود؛ اما بعد از واقعه صفین از هواخواهی علی دست می کشد. خوله بر خلاف پدرش همچنان هواخواه علی بود؛ اما از ترس پدر در برابر وی سکوت اختیار می کرد و عقاید خود را بروز نمی داد. وی کمی خجالتی و احساساتی و مهربان است. برای مستقل شدن و رهایی از خانه پدرش تلاش می کند و بسیار ماجراجو و پرنرزی و کنجکاو است. وی حاضر نیست به اصرار پدرش با ابن ملجم وصلت کند؛ اما از روی ترس و بیم کلامی بر زبان نمی راند. خوله تظاهر به ساده لوحی و نادانی می کند؛ خصوصا نزد پدرش، اما در واقع بسیار زیرک و باهوش است و با چرب زبانی از ابن ملجم دلیل و برنامه قتل امام علی را جويا می شود و سعید اموی را از دسیسه های پدرش و خواستگارش، ابن ملجم، با خبر می کند. در این اثنا علاقه و محبت شدیدی نسبت به سعید در قلبش شکل می گیرد. از این رو به هر نحوی و در هر زمانی که می توانست به کمک سعید می-شتافت.

۵-۲-۲- عبدالله

عبدالله پسرعمو سعید اموی است. وی به توصیه پدربزرگش برای نجات امام علی، طبق وصیتی که پدربزرگش، ابورحاب، کرده بود با سعید همراه می شود.

عبدالله در مقایسه با سعید منطقی تر و عاقلانه تر رفتار می کند. به عنوان مثال در قسمتی از داستان می خوانیم که وقتی عبد الله متوجه عشق سعید به قطام می شود برای اینکه این مساله مانع اجرای وصیت ابو رحاب نشود، می گوید «فرض کن که قطام از قتل علی صرف نظر نکند، توجه خواهی کرد؟ آیا به قولنامه ای که به قطام دادی عمل خواهی نمود یا به وصیت جدت رفتار خواهی کرد؟» عبدالله گاهی خودخواه و منفعت طلب می شود قتی عمروعاص وی را آزاد و به عقد خوله در می آورد، به دنبال سعید نمی رود و جویلی احوالش نیست و گاه با معرفت و جوانمرد است. از آنجایی که وقتی متوجه می شود که خوله به سعید علاقه دارد، به خوله نه به چشم همسر بلکه به چشم خواهر می نگرد و به خاطر ارادت و علاقه ای که به پسر عمویش دارد خوله را طلاق می دهد تا با سعید ازدواج کند، با اینکه خودش هم به خوله علاقه مند و جذب زیبایی های خوله شده بود.

او محتاط و زیرک است اما در عین حال صادق است و ترسی از مرگ ندارد؛ اما تمام تلاش خود را برای زنده ماندن می کند و به خوبی با شرایط گوناگون کنار می آید.

گفتاراش سنجیده و مستدل و مبرهن است. به نظر می رسد اهمیت کمتری برای مسائل عاشقانه قائل است و هدف های بزرگتر برای او در اولویت است.

۶- شخصیت ایستا و پویا در رمان فاجعه رمضان

شخصیت های ایستا و پویا طبق معیاری هستند که تعیین می کند یک شخصیت در طول داستان چه تحولاتی را پشت سر گذاشته و آیا از ابتدا تا انتهای داستان تغییری را پذیرفته یا خیر؟

۶-۱- شخصیت ایستا

قطام که شخصیت اصلی این داستان است، شخصیت ایستایی دارد که تنها به دنبال انتقام از امام علی (ع) است و هیچ تردید و تغییری را در نگرش و باور و رفتار او در رمان احساس نمی کنیم. در طی داستان، قطام در راستای شهادت امام علی از هیچ گونه اقدامی دریغ نمی کند و در بخشی از داستان می خوانیم که قطام به خاله خود (لبابه) گفت: «خوب خاله جان بگو بینم به عقیده تو آیا سعید به قول خود عمل خواهد کرد؟ آیا او می تواند علی بن ابی طالب را به قتل برساند؟» و این عقده و رنج روانی قطام تا انتهای داستان ادامه دارد.

از شخصیت های دیگر داستان که مصداق ایستایی هستند، لبابه، عبد الله و خوله را نام می بریم. لبابه در طی داستان تنها به فکر پیاده کردن حيله و نیرنگ در راه منفعت خود است و کمک های او به قطام از سر دلسوزی نیست و یک شخصیت پلید، مکار و حيله گری دارد و در انتهای داستان که متوجه رسوایی قطام می شود برای منفعت و از سر لجاجت با قطام، راز های وی را بر ملا و او را رسوا می کند.

عبد الله نیز یک شخصیت ایستاست؛ چرا که در ابتدای داستان توسط ابورحاب برای همراهی سعید فرستاده می شود که از همان اول یک فرد باهوش، عاقل و منطقی است و در انتهای داستان هم همچنان فردی سیاستمدار و زیرک باقی می ماند و از هر چه که به ضررش تمام می شود، دوری می کند.

۶-۲- شخصیت پویا

شخصیت پویای این رمان سعید اموی است که شخصیت اصلی داستان است و مهم ترین شخصیت است. او فردی احساساتی، زود باور، کمی عاشق پیشه است که عشق قطام او را کور و کر می کند تا جایی که قراردادی را برای قتل امام علی امضا می کند و آن را تعهدی برای ازدواجش با قطام قرار می دهد؛ اما پس از وصیت پدر بزرگش مبنی بر برائت حضرت علی و مقام والا و شایستگی ایشان،

از قتل علی صرف نظر می کند و به تدریج بعد از آگاه شدن از خیانت و حيله های قظام و حتی دسیسه او برای قتل سعید، از عشقش دست می کشد و تبدیل به فردی محتاط، عاقل، واقع بین و هوشمند می شود که سعی می کند حضرت علی را از دسیسه ابن ملجم آگاه سازد و در این مسیر عشقش به قظام تبدیل به نفرت و کینه می شود تا جایی که سعی در انتقام گرفتن از وی دارد و از طرفی عشق او به خوله آغاز می شود که در انتها سعید و خوله با هم ازدواج می کنند.

۷- شیوه های شخصیت پردازی در رمان فاجعه رمضان

توصیف و دخالت نویسنده در داستان از شیوه های رایجی بوده که نویسندگان قرن بیستم در پردازش شخصیت های داستانی از آن استفاده می کردند. بدین معنی که نویسنده به خواننده اجازه نمی دهد که تنها به طور مستقیم با شخصیت ها ارتباط برقرار کند اما باید توجه داشت که نویسنده نباید صرفاً به توصیف ظاهر قناعت کند؛ بلکه باید توصیف های او توأم با عمل باشد. (بیشاب، ۱۳۸۳: ۱۹۱) ابراهیم یونسی در تعریف توصیف می گوید: «جریانی که به یاری آن خواننده را با اشخاص داستان آشنا می کنیم، توصیف نامیده می شود.» (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۰۱)

۹

۱-۷ روش مستقیم

در این شیوه راوی با جمله های خبری و توصیفی خود به معرفی شخصیت می پردازد. (قره بیگلو و عبدی پور، ۱۳۸۸: ۳۲۸) و به ما اطلاعات می دهد و در پی بردن به وضعیت ظاهری، سطح فکری، احساسات و نگرش شخصیت ها به ما کمک می کند و همچنین به استقرار بهتر کنش ها یاری می رساند. (اسپرگر، ۱۳۸۰: ۶۰)

در این شیوه راوی سعی می کند مستقیماً با توصیف صفات و حالات درونی و ذکر وضعیت ظاهری شخصی و وضعیت محیط، خصلت های شخصیت مورد استفاده اش را برای خواننده آشکار کند. (میر صادقی، ۱۳۷۶، ادبیات داستانی: ۳۰۱)

در داستان می بینیم که جرجی زیدان در ابتدا یک زندگی نامه یا توصیف کوتاه مستقیمی از شخصیت ها را بیان می کند و در ادامه به شیوه غیر مستقیم به توصیف می پردازد که در بطن حوادث و اتفاقات و رفتارها می توان به نوع شخصیت پی برد.

به عنوان مثال در بخشی از داستان می خوانیم: «دختر، بینی کشیده و خوش ترکیب، دهان کوچک و لبان باریکی داشت. این دختر «قظام» دختر «شحنه بن عدی» از قبیله «رباب» بود. حسن شهرت و جمال او در سراسر شهر پیچیده و نامش بر سر زبانها افتاده بود. مردم به او «ماهروی کوفه» لقب داده بودند...»

همانطور که مشاهده می کنیم جرجی زیدان مستقیماً ویژگی های ظاهری قظام را بیان کرده و از اصل و نسب او گفته است که نوعی شیوه مستقیم به شمار می آید.

۲-۷ روش غیر مستقیم

این شیوه با سه روش انجام می شود: الف: رخدادها و وقایع. ب: گفتگو. ج: نام گذاری.

الف: رخدادها و وقایع: در این شیوه راوی از اعمال و کنش شخصیت ها در گسترش طرح روایی و همچنین در پی بردن به حالات درونی شخصیت ها استفاده می کند. (اخلاقی، ۱۳۷۷: ۱۸۴). راوی در این شیوه سعی نمی کند همه چیز را آشکارا بیان کند، بلکه با آوردن رخدادها، وقایع، کنش و واکنش شخصیت ها به خواننده کمک می کند خودش به خصلت های شخصیت ها پی ببرد.



در واقع با این شیوه «خوانندگان، به واسطه کنش شخصیت‌ها درکی از چگونگی ویژگی شخصیتی آن‌ها از طریق تفسیر آن کنش‌ها بر طبق اصول اخلاقی و نظام‌های ارزشی خود، به دست می‌آورند» (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۶۶) برای مثال در قسمتی از داستان جرجی زیدان آمده: «سعید تعهد نامه را امضا کرده به دست قطام داد تا تصور نکند که او ترسوست، ولی بعد به دشواری این تعهد پی برد...»

امضا کردن تعهدنامه توسط سعید در بردارنده پیام‌هایی برای خواننده است که بدون نیاز به تشریح و توصیف مستقیم، خواننده متوجه می‌شود که سعید فردی عاشق پیشه است که در برابر عشق سست شده و اختیار خود را از دست داده و به سرعت فریب می‌خورد و به قطام اعتماد کرده و به خوبی به عواقب اعمالش فکر نکرده است.

ب: گفتگو: با توجه به این که گفتگو بخشی از زندگی است، نویسنده برای اینکه پندار واقعیت را در مخاطبان‌اش ایجاد کند و بتواند این پندار را در آن‌ها حفظ کند، ناگزیر به اشخاص داستانی خود زندگی می‌دهد. (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۴۷) اگرچه طرز گفتار هر شخصیتی نشان دهنده ذهنیات و خصوصیات فردی وی است، اما از آنجا که شخصیت‌های داستانی کهن از خود تشخص زبانی و فردی ندارند و همچنین هدف از آوردن این داستان‌ها صرفاً پیام‌رسانی است، بنابراین آنچه شخصیت می‌گوید مهم است نه این که چگونه می‌گوید. (عبیدی نیا، ۱۳۹۱: ۲۰۹)

در داستان می‌خوانیم که قطام می‌گوید: «من هم همین عقیده را دارم، ولی امروز، روز پانزدهم رمضان است و جز یک روز به موعود مقرر باقی نمانده است، باید هرچه زودتر شخصی را به بیرون شهر بفرستیم که سعید را به اینجا بیاورد یا مانع دخول او به شهر گردد...»

لبابه گفت: «این کار را به عهده من بگذار، من اکنون دنبال ریحان می‌روم تا او را به خارج شهر بفرستیم، خودم شخصا دنبال ابن ملجم خواهم گشت، زیرا من او را می‌شناسم.»

این گفتگوها شخصیت قطام و لبابه را به ما معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که قطام بی‌صبرانه برای به شهادت رساندن علی روز شماری می‌کند و دست به کار می‌شود که مانع سعید شود تا امام علی را از دسیسه قتل آگاه نسازد. لبابه نیز در این جرم شریک می‌شود و با ابن ملجم برای انتقام گرفتن، همدست می‌شوند.

ج: نام گذاری: وقتی نویسنده اسمی را برای شخصیتش انتخاب می‌کند، این اسم اتفاقی نیست بلکه دارای بار عاطفی و اجتماعی می‌باشد که نشان دهنده خاستگاه فکری نویسنده است. (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۶۴)

در واقع بیان نام‌ای مشهوری چون امام علی، ابن ملجم و قطام... در داستان که برای همگان آشناست در توصیف شخصیت‌ها موثر واقع می‌شود و از همان ابتدا تصویری را در ذهن مخاطب درمورد حالات و کردار آن‌ها ایجاد می‌کند.

۸- نتیجه گیری

رمان "فاجعه رمضان" به زبان و سبکی ساده و روان به رشته تحریر در آمده و نویسنده شخصیت‌ها را به روش رئالیست توصیف کرده و در ابتدا با روش مستقیم به توصیف مختصری از زندگی و خصوصیات ظاهری و خانوادگی شخصیت‌ها می‌پردازد و در ادامه به شیوه غیر مستقیم با جریان حوادث و اعمال و گفتار اشخاص فضای داستان را پیش می‌برد.

زیدان فضای جامعه عرب را که تعصبی و سنگراست به نمایش می‌گذارد و واقعیات جامعه عرب و مشکلاتی که گریبانگیر معصومین و هواداران آنها بود را بیان می‌کند.

نویسنده قهرمان داستان را امام علی (ع) می داند که الگو مردم است و دشمنان زیادی در مسیر امامت ایشان قد علم کرده اند. زیدان در بدو ورود هر شخصیت توصیفات ظاهری او را بیان میکند و یک تصویری را در ذهن خواننده ایجاد می کند اما در عین حال ویژگی های درونی شخصیت ها را هم در بطن داستان نمایش می دهد.

شخصیت های رمان در فضای اختناق جامعه به جهت منافع خود حرکت می کنند و خودخواهی و طمع آنها را درگیر تردید و وسواس های روانی بسیاری می کند. نویسنده محوریت داستان را به سعید اموی داده و از زاویه دید او رمان را پیش می برد و گویی از دید او این حادثه به تصویر کشیده می شود و سایر شخصیت ها را در تعامل با وی و مراوداتی که با او دارند درگیر داستان می کند. نویسنده در این رمان شک و شبهه ای را برای خواننده باقی نمی گذارد و پاسخ معماها و سوالهایی که در ذهن خواننده ایجاد شده باشد را می دهد. پایان داستان از لحاظ به شهادت رسیدن حضرت علی پایانی تلخ اما از لحاظ شروع زندگی عاشقانه سعید اموی و خوله پایان خوشی بود.

۸-۱- پیشنهادها

انتظار می رود که پژوهشگران سایر عوامل داستان نویسی را مانند صحنه و صحنه پردازی در این رمان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

محدودیت های تحقیق

یافتن کتاب از نویسندگان عرب زبان همچون جرجی زیدان به نسخه فارسی دشوارتر از سایر رمان های فارسی است. زیرا اکثر آثار به زبان عربی هستند و ترجمه آن ها کمیاب است. از طرفی بررسی شخصیت پردازی در رمان های عربی نیاز به داشتن دانش در حوزه ادبیات و عناصر داستان دارد و صرفا داشتن تخصص در عرصه ادبیات عرب در این مجال کفایت نمی کند.

منابع

- ۱- آتش سودا، محمد علی، حریری جهرمی، امید، (۱۳۸۹). «شخصیت پردازی در رمان همسایه ها». پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، (۱)، پاییز، 9-28.
- ۲- آسابرگر، آرتور، (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامیانه رسانه و زندگی روزمره*. ترجمه محمد رضا لیراوی، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- ۳- اخوت، احمد، (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، اصفهان: نشر فردا، چاپ اول.
- ۴- بابا زاده اقدم، عسگر، شکیب، محمود. "مقایسه رمان تاریخی «ابومسلم الخراسانی» جرجی زیدان و «سیاه پوشان» صنعتی زاده کرمانی". *مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. پاییز 1390: 87.
- ۵- بابا زاده اقدم، عسگر. کرمی میر عزیز، بیژن. "بررسی انتقاد های محمود صاوی بر رمان های تاریخی جرجی زیدان (مطالعه موردی از مانوسه المصریه و عذراء قریش)". *ادب عربی* 1395: 42.
- ۶- بیشاب، لئونارد، (۱۳۸۳). *درس هایی درباره داستان نویسی*. ترجمه محسن سلیمانی، چ 3. تهران: سوره مهر.
- ۷- بینش، عبد الحسین. "روش شناسی جرجی زیدان در نگارش تاریخ تمدن اسلامی". *مجله ی مریان*. سال پنجم: 142.

13th International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

Archive of SID

21 September 2023 - Tehran

سیزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ شهریور ۱۴۰۲ - تهران



OxfordCert
UNIVERSAL

- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵). ارسطو و فن شعر، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم.
- ۹- زیدان، جرجی، (۱۳۶۱). فاجعه رمضان، (شیرازی، محمدعلی)، تهران: گنجینه، چاپ هفتم.
- ۱۰- طاقچه، (بی تا). (آشنایی با ادبیات و نویسندگان عرب). taghche.com
- ۱۱- عبیدی نیا، محمدمیر، (۱۳۹۱). «شخصیت و شخصیت پردازی در حدیقه سنایی». پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ششم، (دوم)، ۲۲. تابستان، 195-216.
- ۱۲- میر صادقی، جمال، (۱۳۹۴). عناصر داستان، تهران: انتشارات سخن، چاپ نهم.
- ۱۳- یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۴). هنر داستان نویسی، تهران: نگاه، چاپ هشتم.